



گاهنامه تحلیلی و سیاسی
بسج دانشجویی دانشگاه پیام نور مرکز کرمان

بسج	تقوا	بصیرت
مجاهد	سیاسی	متدین
اخلاق	فرهنگ	علم

www.bdpnuk.ir

سخن سردبیر



فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفتها و روشها و منشاهای که میتواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین کننده‌ی حرکت مستقیمی و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است؛ در ذهن هم نیست، در خارج و در عینیت وجود دارد حرکت بسیجی، سرنوشت ایران را، بلکه سرنوشت فراتر از ایران را تغییر داد، تعیین کرد. از روزاول، بسیجیان امام مادر میدانهای گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی کردند که ماندگار شد، الگو شد

جرعه اول

سبک زندگی هر چند مفهومی نوپدید نیست لیکن دیرزمانی نیست که جایگزین مفاهیمی چون «طبقه اجتماعی» برای جبران جاماندگی تفکر اجتماعی در توضیح تحولات متاخر شده است. سبک زندگی تا زمانی که در پارادایم علم جدید استفاده می شود معنا و اقتضائات تاریخی اش را با خود به همراه دارد. اما زمانی که قرار است در نسبت با منطق دیگری چون منطق دینی استفاده شود، بهتر آن است که برایش معادلی در تاریخ دین یافت شود. یافتن این معادل به محقق کمک خواهد کرد تا در مناسبات این مفهوم را با سایر مفاهیم دینی پیدا کند. حساسیت نسبت به مفهوم سبک زندگی در محافل علمی بخصوص از زمانی که رهبر انقلاب آنرا نرم افزار تمدن اسلامی خواندند، بیش از گذشته شد. آنچنان که از تعریف رایج برمی آید اجزای تشکیل دهنده ی سبک زندگی...

تحلیل



کلید واژه «انتخابات آزاد»، رمز فتنه‌ای جدید؛ این جمله‌ای است که این روزها بسیاری از فعالان سیاسی بر آن تأکید می‌کنند. گویا تاریخ قرار

ری و در حالی که هنوز شش ماه تا برگزاری انتخابات باقی مانده بود برای نخستین بار کلیدواژه‌ای به نام «صیانت از آراء» از تریبون نماز جمعه تهران از زبان امام جمعه موقت آن روز (هاشمی) بیان شد! هاشمی رفسنجانی در همان دوره زمانی در اظهاراتی دیگر بیان کرد: «اگر مردم احساس کنند رأی‌شان در سرنوشت آنان بی اثر است و متولیانی پیدا شوند که رأی آنها را هر جوری که می‌خواهند بخوانند!!! آنگاه دلسرد می‌شوند! همچنین بار بررسی آرشو روزنامه‌ها و سایت‌های خبری در ماه‌های منتهی به انتخابات سال 88 مطالب بسیاری با موضوع مشترک «تشکیک در انتخابات ریاست جمهوری ایران» از سوی برخی عناصر داخلی و سر حلقه‌های خارجی آن قابل مشاهده است! مقام معظم رهبری نیز در آن مقطع زمانی باینش صحیح از قصد فتنه‌گران در سخنرانی آغاز سال 88 ضمن خطاب قرار دادن کسانی که در صدد تشکیک در سلامت انتخابات بودند، فرمودند: «انتخاباتی که قرار است دو سه ماه دیگر برگزار شود را از حالا شروع کردنبه خدشه وارد کردن؛ این چه منطقی است؟ چرا بی خود خدشه وارد می‌کنند؟ مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند، سعید رحمانی

مجازی



درگاه مجازی بسج دانشجویی مدینه النور
دانشگاه پیام نور مرکز کرمان
www.bdpnuk.ir
منتظر نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

یک خط خبر



اگر کسی به تبلیغات نگاه می‌کرد، می‌فهمید که برای آنها انتخابات ایران و خصوص انتخابات ریاست جمهوری چقدر مهم است! چقدر برای آنها مهم است کاری کنند که مردم در انتخابات شرکت نکنند این را از تبلیغات آنها می‌شد فهمید. ولی توده‌نی خوردند. ملت ایران با حضور خودش به آنها تو دهنی زد. شما ملاحظه فرمایید: کشور ما، مثل فلان کشور اروپایی نیست که از این سر کشور تا آن راه، در ظرف دوساعت بشود طی کرد. در آن جا، کشورها کوچک است و جاده‌ها اتوبان، اما در کشور ما با این که بعد از انقلاب، این همه جاده‌کشی شده است، در عین حال هنوز روستاهایی وجود دارد که دسترسی به آنها آسان نیست. شصت هزار روستا در نقاط مختلف کشور گسترده است و تقریباً نیمی از جمعیت را در خودشان جا داده‌اند. صندوق رأی هم به بسیاری نمی‌رسد. به آنهایی هم که می‌رسد، نیم ساعت یا یک ساعت بیشتر در یک ده نمی‌ماند. همه اینها موجب می‌شود که آرا کم شود. مادر عین حال، از جمعیتی که شرایط رأی دادن را ندارند، هفده میلیون - که درصد بالایی هم هست - رأی می‌دهند. این اقبال مردم است. این، علاقه مردم به انقلاب است. این، حضور مردم در صحنه است. و این است که توده‌نی به تبلیغات سوء استکباریه حساب می‌آید. بعد هم این انتخاب یعنی انتخاب چنین چهره و شخصیتی حال بعد از انتخابات، که توی دهان آنها خورده، باز تبلیغاتشان به نحو دیگری شروع شده است: تحلیل کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که مردم ایران، با انقلاب و جمهوری اسلامی قهرند! می‌خواهند چیزی را به زور ثابت کنند و معلوم است که جریه مغزهای علیل خودشان و پیروانشان، برکس دیگری چنین حرق ثابت نمی‌شود. ملت ایران باید خدا را شاکر باشد که در این برهه، توانست دشمن را به خشم آورد. حضور شما مردم ایران در صحنه انتخابات، و شرکتتان در این انتخابات عظیم و تعیین کننده و مهم، استکبار جهانی و عمال و بوقها و تبلیغاتچیهایشان را تا سرحد جنون عصبانی کرد. خدا از شما راضی باشد.

گفتگو



حسین قدیانی حسین قدیانی با حجت الاسلام رحیمیان

حسین قدیانی: الان اگر بخواهیم قلب امام که همان قلب «آقا» است را از خودمان راضی نگه داریم، راهش چیست؟ حاج آقا رحیمیان: قبل از جواب، باید بگویم که واقعا همین طور است. قلب خمینی در سینه خامنه ای می‌تپد. امام اما یک شاخص قرآنی داشتند و همیشه می‌گفتند: ببینید کارتان چقدر دوستان را خوشحال می‌کند و چقدر دشمنان را ناراحت می‌کند؟ قطعاً هر کاری از ما که دشمن را ناراحت و دوست را مسرور کند، کاری مرضی رضای خدا و روح خداست. با این معیار، کاری که در مجلس صورت گرفت و کاری که در قم رخ داد، نه فقط اشتباه، بلکه گناه بود. گناه، حالا جالب اینجاست؛ مایک وقت کاری می‌کنیم که دشمن از ما خوشحال می‌شود، اما براساس آموزه های قرآنی، دشمن حتی اگر از ما شاد هم بشود، باز دلیل نمی‌شود! که خیال کنیم دشمن، مراد دوست دارد. شادی دشمن به خاطر منافع خودش است، نه اینکه احبانا عاشق چشم و ابرو می‌ما شده هزار می‌کنند، این است؛ مثل یک سقز، شیره ما را می‌مکد و از مزه ما استفاده می‌کند، بعد پرت مان می‌کند سطل خاک! شما الان «ابیین بعضی مطرودین فراری واقعا چه جایگاهی نزد آمریکا دارند؟ فی الواقع هیچی! گفت: «ببین از که بریدی و با که پیوستی؟ مقصود اینکه؛ دشمن خبیث تر از این حرف هاست که ما فکر می‌کنیم. لذا همان بهتر که رفتار و گفتار ما دشمن را ناراحت و دوست را خوشحال کند، نه بالعکس

حسین قدیانی: خامنه ای را نگاه کن، خمینی را بشناس!



جنبش دانشجویی از مسأله های مهم جامعه شناسی سیاسی ایران تلقی می شود اما کمترین ماهیت جامعه شناختی آن پرداخته شده است، و از این رو، تردیدهایی درباره ماهیت جامعه شناسی سیاسی آن وجود دارد. نقیصه ای که این مقاله در پی رفع وجوب آن است البته در حد بضاعت اندک خویش. شاید عدم تلقی غیرواقعی یا خیالی دانستن جنبش دانشجویی به علت فاصله گرفتن از شعارهای اساسی خود یعنی: استکبار ستیزی و استبداد ستیزی و نیز، ادعای افول آن به دلیل قوام یابی روز افزون جمهوریت در نظام سیاسی ایران، ریشه در همین تردیدها داشته باشد. شاید مطالعه جامعه شناختی آن در عرصه علم سیاست بتواند به راهی برای پاسخ به تردیدهای موجود در زمینه جنبش دانشجویی منجر شود.

● تحلیل و بررسی پسج دانشجویی دانشگاه پیام نور مرکز کرمان ●

پرونده

ماجرای تکریم آیت الله خوشوقت

توسط رهبر انقلاب

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین کاظم مدینی

بعد از انقلاب هم همچنان که مشرب امام عرفان بود به خاطر انقلاب وارد مسائل انقلاب شدند، ایشان نیز به فراخور احتیاجی که انقلاب به ایشان داشت، وارد مسائل انقلاب شدند و به فرمان امام خمینی رحمه الله به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآمدند بعداً با اقبال بیشتر جامعه به سوی ایشان، جلسات بانشاط و شیوایی برای تشنگان معرفت الهی ترتیب دادند.

سابقه آشنایی رهبر انقلاب با حضرت آیت الله خوشوقت و علاقه رهبری به ایشان، به مدرسه حجتیه قم بازمی گردد. بعد از انقلاب هم

مشورت هایی با ایشان داشتند. تکریم عجیبی حضرت آقا از ایشان داشتند. يك بار يادمان هست که آیت الله خوشوقت برای حضور در یکی از مجالس، خدمت حضرت آقا رفته بودند و از در حیاط وارد شده بودند و کفش ها را هم همان جا گذاشته بودند. بعد از پایان مجلس همه حرکت کردند برای صرف شام. حضرت آقا و آیت الله خوشوقت کنار یکدیگر بودند حضرت آقا وقتی متوجه شدند که کفش های ایشان در آن جا نیست، کفش های خودشان را برداشتند و مقابل پای آیت الله خوشوقت جفت کردند. آیت الله خوشوقت هر چه اصرار کردند، آقا قبول نکردند. آیت الله خوشوقت هم کفش های آقا را پوشیدند و بعد، اطرافیان برای حضرت آقا کفش آوردند. حضرت آقا علاقه فوق العاده ای به ایشان داشتند. فراتر از علاقه بلکه اعتقاد بود. رهبر معظم انقلاب آیت الله خوشوقت را جزو کسانی معرفی می کردند که جلوی طوفان ها را می گیرند و می گذارند دل ها را باد ببرد. ایشان فرمودند که طوفان ها زیاد است و مقاومت کردن در برابر این طوفان ها مشکل است. به يك جایی وصل بشوید که این بادها شما را با خودش نبرد. سؤال کردیم مثلاً به چه کسی؟ فرمودند به آیت الله خوشوقت.

آیت الله خوشوقت همچون دریا بود. ان شاء الله خداوند ما را با ایشان که از دستان رفته است محشور کند.

خداوند ایشان را در دریای رحمتش مُستغرق، و با اولیاء الله محشور کند.

منبع: khamenei.ir



اخیراً آمریکایی ها باز مسئله مذاکره را پیش کشیدند مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا

اخیراً آمریکایی ها باز مسئله مذاکره را پیش کشیدند، تکرار میکنند که آمریکا آماده است با ایران مذاکره مستقیم بکند؛ این تازگی ندارد. مسئله مذاکره را آمریکایی ها در هر مقطعی تکرار کرده اند. حالا امروز نوبه میدان آمده ها مجدداً تکرار میکنند که مذاکره کنیم و میگویند توپ در زمین ایران است، توپ در زمین شماست شما هستید که باید پاسخگو باشید، شما هستید که باید بگویید مذاکره همراه با فشار و تهدید، چه معنایی دارد؟ مذاکره برای اثبات حسن نیت است. شما ده تا کار انجام میدید که حاکی از سوء نیت است، آن وقت به زبان میگویید مذاکره؟ توقع دارید ملت ایران قبول کنند که شما حسن نیت دارید؟! مال البته درک میکنیم چرا آمریکایی ها این روزها باز مجدداً مسئله مذاکره را می تکرار میکنند، می میگویند پشت سر هم به زبانهای گوناگون؛ ما میفهمیم علت چیست.

به قول خود آمریکایی ها، سیاست خاورمیانه ای آنها دچار شکست شده. آمریکا در سیاستهای خود در این منطقه، دچار شکست است. احتیاج دارند به اینکه يك برگ برنده ای را به قول خودشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامی انقلابی مردمی را، بکشاند پای میز مذاکره؛ به این احتیاج دارند. میخواهند به دنیا اعلام کنند که ما حسن نیت داریم، نه، ما حسن نیتی مشاهده نمیکنیم. من چهار سال قبل - در اول این دولت کنونی آمریکا که باز همین حرفها را میزدند، اعلام کردم، گفتیم که ما پیشداوری نمیکنیم، قضاوت زود هنگام نمیکنیم؛ ما نگاه میکنیم ببینیم عمل اینها چگونه است، آن وقت قضاوت خواهیم کرد. حالا بعد از چهار سال، قضاوت ملت ایران چه باشد؟ از فتنه داخلی حمایت کردند، به فتنه گران کمک کردند، در سطح منطقه با ادعای مبارزه با تروریسم به کشوری مثل افغانستان لشکر کشی کردند، این همه انسان را پامال کردند، نابود کردند؛ با همان تروریستها امروز دارند در سوریه همکاری میکنند، پشتیبانی می کنند؛ همان تروریستها را در هر جایی که توانستند در ایران به کار بگیرند، به کار گرفتند، عوامل آنها، همپیمانهای آنها، جاسوسان رژیم صهیونیستی، دانشمندان را در جمهوری اسلامی ترور کردند صریح، اینها حاضر نشدند حتی محکوم کنند، حمایت هم کردند؛ این عملکردها نیست؛ علیه ملت ایران تحرجهایی را که خودشان میخواستند این تحرجهای فلج کننده باشد، به کار گرفتند و ملت ایران را میخواستند فلج کنند؟ شما حسن نیت دارید؟ مذاکره از روی حسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرف که نمیخواهند به یکدیگر کلک بزنند، معنا پیدا میکند. مذاکره به صورت يك تاکتیک، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره يك حرکت حیل گرانه است؛ این حرکت واقعی نیست. من دیپلمات نیستم، من انقلابی ام...

تحلیل

عیار انتخابات

روزی نیست که در مطبوعات و رسانه خبر می طلبی راجع به انتخابات نشنویم از گوشه و کنار این کشور پنهان و همه ذهن ها به سمت پایتخت معطوف شده و شاهد هستیم که هر شخص یا گروهی با (شعار) یا بیانیه ای ورود خود به عرصه انتخابات را اعلام می کنند و جالب تر اینکه همه شان هم احساس "تکلیف" کرده اند.

بگذریم یکی با شعار "عدالت" یکی با شعار "آزادی" یکی با شعار "اصلاحات" یکی با شعار "هوای پاک و سبز" !!! ... دیگری با شعار "دولت پاک" آن دیگری با رویکرد توسعه اقتصادی و گروه دیگری در تقابل با آنها با شعار "توسعه سیاسی" به میدان می آیند. عده ای در این وسط با استفاده از مدل های انتخاباتی حزبی در غرب سعی در ربودن گوی سبقت از دیگران دارند اما در این بین تنها چیزی که مشاهده می شود داشتن یک برنامه هدفدار و منسجم برای اداره کشور است.

چرا باید انتخابات و فضای آن در کشور ما شعار زده باشد؟؟ مگر این شعارهایی که مطرح می شود از قبیل: عدالت، آزادی اصلاحات، توسعه و... مگر اینها شعار خود انقلاب اسلامی مان نبود؟؟؟

مگر شعار اصلی مان "استقلال، آزادی جمهوری اسلامی" نبود؟؟؟

یاد جمله ای از مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ افتادم که فرمودند "مردم از این دعوای سیاسی خسته شده اند و در کشور کارهای زیادی هست که باید انجام شود و گروه های فراوان و مشکلاتی هست که باید در انتخابات مدنظر باشد و کاندیداها نیز باید در این خصوص نظرات و راهبردهای مدنظرشان را ارائه کنند به حال این برنامه و روش است که در عمل گفتن راحقق می کند و کارایی این گفتن را نشان می دهد نامزد ریاست جمهوری باید بتواند از مشکلات و مسائل کشور تحلیل داشته باشد... چاره سازی کند... آسیب شناسی بکند... بتواند مشکلات را ریشه یابی کند... اینکه چرا بعد سال هنوز تورم داریم؟؟ ریشه تورم کجاست؟ راهکارهای مقابله با آن چیست؟؟ علاج بیکاری کجاست؟؟ و یاب طور مثال نامزد های انتخابات باینند و برنامه هایشان را بگویند.